



در میان انبوه افکار، مسئله ها، تصمیم ها و اعمال روزانه که می آیند و می روند و دفتر هر روز ما را می نویسند، گاه و بی گاه برقی از سوال های ویژه نیز می جهد و اندکی بعد در میان انبوه آن افکار و اعمال گم می شود. عموم آدم ها این برق های جهنده را در دقایقی از ساعات روز یا هفته یا سال مشاهده کرده اند، اما اغلب از آن عبور کرده و درباره آنها نیندیشیده اند. اگر هم زمانی یکی از این سوال ها توجهشان را جلب کرده و آنها را به فکر وادار نموده، بعد از صرف اندکی نظر و فکر، خسته شده و به کاری دیگر مشغول گردیده اند.

برخی از سوال های ویژه عبارت اند از:

چرا درد و رنج هست؟ آیا نمی شد در جهانی زندگی کنیم که خبری از درد و رنج در آن نباشد؟ سعادت واقعی چیست؟ آیا می توان آن را به دست آورد؟ سرانجام ما انسان ها در کره زمین چیست؟ جهان چه سرانجامی دارد؟ آیا ما جهان، اشیا و پدیده ها را همان گونه که هستند، میتوانیم دریابیم؟ عشق و دوستی چگونه است؟ آیا آنها امور واقعی و درست اند؟ آیا میان خوشبختی ما و دیگران رابطه ای وجود دارد؟ آیا خوبی و بدی، عقیده ای شخصی و سلیقه ای است؟ یا معیاری معین و مشخص دارند؟ اصلاً آیا انتخاب و اختیار حقیقت دارد؟ یا زندگی مجموعه ای از فعالیت های جبری است؟ ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم؟ قانون مند یا بی قانون؟ دارای علت یا بدون علت؟ آیا حواس ما گاه گاهی اشتباه نمی کنند؟ چگونه جلو خطای حواس را بگیریم؟ آیا من همان احساساتم هستم؟ آیا من همان خاطراتم هستم؟ راستی من کیستم؟



تفکر فلسفی

از آن هنگام که یک فرد به نحو جدی به یکسری پرسش های ویژه و اساسی بپردازد و رسیدن به پاسخ آنها دغدغه خاطر او شود، وارد تفکر فلسفی شده است، حتی اگر یک کارگر یا فیزیک دان یا پزشک و مغازه دار باشد.

تفکر فلسفی لازمه زندگی هر انسانی است. برخی به آن توجه می کنند و برخی با بی توجهی از کنار آن می گذرند.

به ظاهر و با نگاه ابتدایی، در زندگی عادی و روزانه که برای خوراک، پوشاک، بهداشت، شغل و مانند آنها تلاش می کنیم، نیازی به طرح پرسش ها ویژه و اساسی و پاسخ دادن به آنها نداریم.

اگر خوب تامل کنیم، پاسخی که به این پرسش ها می دهیم، نحوه زندگی، رفتار و گفتار ما را شکل می دهد و با آدم های دیگر متفاوت می کند. به همین جهت برخی با دقت و تامل و پشتکار در پی یافتن پاسخ های درست برای این پرسش ها برمی آیند و تا به پاسخ منطقی نرسیده، از پا نمی نشینند.

برخورد با مسئله حیرت طرح سوال های اساسی تفکر در اندوخته ها دریافت فلسفی

تفکر فلسفی و اندیشیدن درباره سوال های ویژه و اساسی یک ضرورت عام و همگانی است که شایسته است هر انسانی بدان بپردازد و توان فکری خود را در این مورد تقویت کند.



کامیاب شدن در این صحنه، طبعاً نیازمند دقت و تلاش فکری پیوسته و دائمی است تا فرد بتواند با ورزیدگی عقلی اندک اندک از امور معمولی و روزمره عبور کند و بادقت و نظم منطقی، و اندیشیدن به مسائل اصلی زندگی به پاسخ های مناسب دست یابد.

دانش فلسفه

تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سوال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانشی به نام (فلسفه) گشته است. دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند سوال های ویژه و اساسی است و فیلسوفان کسانی هستند که به این مسئله به صورت قانونمند و تخصصی پرداخته اند و پاسخ های دقیقی به این قبیل سوال ها داده اند. از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی به اهمیت پرسش های ویژه و اساسی پی بردند و با دقت و تامل فراوان، برای دستیابی به پاسخ تلاش کردند. نتیجه تلاش آنان شکل گرفتن دانش فلسفه بود.

ویژگی های فلسفه

دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش ها دارد؟ مرز این دانش با سایر دانش ها کجاست؟ کدام گفت و گو را گفت و گویی فلسفی می نامند؟ مسائل فلسفی کدام اند و چگونه از مسائل دیگر علوم جدا می شوند؟



درس اول فصل اول: چیستی فلسفه

ویژگی های فلسفه عبارتند از :

الف) بنیادی ترین مسئله ها و موضوعات

ب) استفاده از روش عقلی و استدلالی

الف) بنیادی ترین مسئله ها و موضوعات

فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند و این تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش هاست.

فیلسوفان وارد هر موضوعی می شوند و مثلا از طبیعت، انسان، اخلاق، هنر، سیاست و هر مقوله دیگر سخن میگویند، اما نه درباره آن مسائلی که یک فیزیکدان یا زیست شناس یا معلم اخلاق یا هنرمند و یا سیاستمدار بدان ها می پردازد.

فیلسوف در اصل و حقیقت جهان، طبیعت، انسان و سایر اموری ک نام برده شده، کاوش می کند.

فلسفه، در هر موضوعی به دنبال پرسش های خاصی است، نهایی ترین پرسش ها درباره چیستی و چرایی امور، فلسفه، به این معنا همه چیز را در بر می گیرد. اما آنچه به این همه وحدت می بخشد و همه را تحت عنوان فلسفه جمع می کند، توجه به بنیادی ترین مسئله هاست.

ب) استفاده از روش عقلی و استدلالی

ابتدا به این مسئله ها توجه کنید:

مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟

چرا هوا معمولا در زمستان سرد می شود؟

چرا در دوره جدید در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟

آیا می شود در این جهان خوشبختی را به دست آورد؟

چرا هر حیاتی پایانی دارد؟

آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟

مسائل فلسفی را نمی توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست و جو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد.

هنگامی که این گونه پرسش ها رو به رو می شویم، هرگز نمی توانیم از حس بینایی یا بویایی یا میکروسکوپ یا تلسکوپ یا هر نوع ابزار دیگر استفاده کنیم. با رفتن به دامن طبیعت یا صعود در فضا یا حتی گرفتن آمار از نظرات دیگران نمی توان پاسخ این پرسش ها را به دست آورد.

کاری که به هنگام مواجهه با این پرسش ها می کنیم، تفکر و تامل در اندیشه های خود برای یافتن پاسخ است.

درست است که برخی حقایق را با استفاده از حواس و تجربه و آزمایش یا آمار و ارقام می توان به دست آورد. اما این مسئله ها از این راه ها قابل شناختن نیستند.

در این موارد، عقل می کوشد در خود کاوش کند و با عمل تفکر و تعقل و با تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شود.

مسئله های فلسفی، از این جهت مانند مسئله های ریاضی هستند، یعنی میکروسکوپ و آزمایشگاه و تجربه و حواس به حل آنها کمکی نمی کنند و فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت.

برای روشن شدن بهتر روش تفکر فلسفی، به سوال زیر توجه کنید:

آیا عالم طبیعت آغازی دارد یا بی آغاز است و از ازل بوده است؟ حال اگر کسی یکی از این دو فرض را ادعا کند و مثلا بگوید جهان آغازی دارد، ما از او دلیل می خواهیم و می پرسیم چرا؟ او باید در اینجا دلیل معتبر و عقلانی بیاورد تا موضوع، مورد پذیرش قرار بگیرد. او نمی تواند بگوید چون اکثر مردم معتقدند که جهان آغازی دارد، پس این نظر درست است.



پژوهش های تجربی، تاریخی، نقلی، ذوقی و ادبی، هیچ کدام در مسئله های فلسفی کاربردی ندارند بلکه به حوزه های دیگر دانش، مثل علوم طبیعی، تاریخ، ادبیات، دین و عرفان تعلق دارند.

نکات تستی درس اول

پرسش های فلسفی:

- 1) تخصصی نیستند 2) فقط مربوط به فلسفه نیستند 3) هرکسی توان پاسخ گویی به آنها را ندارد
- 4) برای پاسخ گویی نباید حتما فیلسوف باشی 5) نحوه ی زندگی فرد را شکل میدهد
- 6) نمیتوان از طریق تجربه و آزمایش به آنها پاسخ داد . روش: استدلال قیاسی – تعقل
- 7) منابع پاسخگویی تماما معقول هستند نه محسوس و حسی
- 8) منابع ادبی، ذوقی ، تاریخی نمیتوانند پاسخگو باشند
- 9) زمانی آغاز میشود که انسان به پرسش های اساسی و بنیادین پردازد (جهان – انسان)
- 10) پاسخ به آنها باید تخصصی و قانون مند باشد
- 11) برای ورود به آن نباید حتما دانش فلسفه بدانیم
- 12) در ظاهر نیازی به پرداختن آنها نیست
- 13) بعضی مردم با وجود مشغله زیاد باز هم دچار تفکر فلسفی می شوند
- 14) خاص و مخصوص فلاسفه نیست
- 15) اکثر مردم پرسش های فلسفی را جدی نمیگیرند و از کنار آن عبور میکنند

درس اول فصل اول: چیستی فلسفه

16) در بین زندگی عادی و روزمره مطرح می شود

17) ورود به آن ضرورتی عام و همگانی است

18) همگان (هر شخصی) دچار حیرت و تفکر فلسفی می شوند

19) خاص و عمیق اند . خاص: با سایر پرسش ها متفاوت اند

20) برای دریافت فلسفی و تفکر فلسفی نیاز به تقویت توان فکری است

21) زمان ورود به تفکر فلسفی: پرداختن به پرسش های بنیادین

22) در حوزه ی انسان ، جهان و طبیعت است

23) شاید برای هر کسی در هر لحظه ای بوجود آید

24) پاسخ به پرسش های فلسفی: نیاز به 1-ورزیدگی عقلی 2-گذر از مسایل زندگی روزمره (توجه به مسایل اصلی زندگی به جای مشغله های عادی و روزمره) 3-اندیشیدن به مسایل اصلی و اساسی زندگی

2) موضوع سوالات فلسفی: جهان و انسان

3) روش دانش فلسفه: عقلی و تعقلی و استدلال قیاسی - با علوم عقلی مثل ریاضی و منطق یکسان است

پس روش دانش فلسفه اختصاصی نیست (مشترک است)

4) موضوع فلسفه اختصاصی است روش آن مشترک

5) موضوع فلسفه و ریاضی متفاوت است اما روش آنها یکسان است



درس اول فصل اول: چیستی فلسفه

6) برخورد با مسئله باعث حیرت فلسفی است - مسئله علت حیرت است

7) تفاوت فلسفه با سایر علوم: فلسفه پرسش های بنیادین هر علمی را بررسی میکند (بررسی نهانی ترین پرسش ها در همه ی علوم)

توضیح: متخصصان هر علمی موضوعات تخصصی علوم را بررسی میکنند و فیلسوفان پرسش های بنیادین هر علمی را.

8) موضوع فلسفه: وجود، هستی شناسی، ما بعدالطبیعه (همه چیز)

9) فلسفه همه چیز را در بر میگیرد: به بنیادین ترین موضوعات در حوزه های مختلف میپردازد

10) ویژگی پاسخ های فلسفی: روش مند - قاعده مند - دقیق

11) دانش فلسفه: آغاز با شروع حیات فکری انسان - کوشش عده ای برای یافتن پاسخ به

پرسش های بنیادین نکته: ابتدای تاریخ بشر

12) سائر ملاصدرا: 1- به ظواهر اکتفا نمیکند 2- عبور از عالم محسوسات 3- دست یافتن به

حقیقت عالم معقولات 4- جهان معقولات 5- موج ز خود فرو رفته 6- تقلید نمیکند

13) واقف ملاصدرا: 1- به ظواهر اکتفا میکند 2- به شنیده ها بسنده میکند 3- تقلید میکند

4- هرچه حس بفهمد همان درست است 5- به عالم محسوسات بسنده میکنند 6- اکثر

مردم واقف اند

از پرسش های بنیادین عبور میکنند و به آنها توجهی ندارند 7- جهان محسوسات

8- ساحل افتاده



۱ کدام گزینه درباره برخورد عموم آدم‌ها با سؤالات ویژه صحیح است؟

- ۱) اکثر مردم در بین اعمال روزانه‌شان گاه‌وبیگاه برقی از این سؤالات ویژه را دریافت می‌کنند که به آن توجه خاصی نشان می‌دهند و درباره آن‌ها می‌اندیشند.
- ۲) اکثر مردم بعد از مدت کمی توجه به این سؤالات ویژه آن‌ها را در بین اعمال روزانه‌شان گم می‌کنند.
- ۳) اکثر مردم درباره این سؤالات ویژه اندیشه کرده و به دنبال پاسخ این پرسش‌ها به جستجو می‌پردازند.
- ۴) اکثر مردم بعد از صرف زمان زیادی برای نظر و فکر، دنبال پاسخ این سؤالات رفته‌اند.

۲ کدامیک از گزینه‌های زیر، در رابطه با تفکر فلسفی نادرست است؟

- ۱) پاسخ ما به پرسش‌های فلسفی لغو زندگی، رفتار و گفتار ما را شکل می‌دهد.
- ۲) پرداختن به تفکرات فلسفی و اندیشیدن یک ضرورت عام و همگانی است.
- ۳) پیروزی در عرصه تفکرات فلسفی در گرو ورزیدگی عقلی و پرداختن به امور روزمره و معمولی است.
- ۴) هر انسانی باید توان فکری خود را در جهت تفکرات فلسفی تقویت کند.

۳ کدامیک از سؤالات زیر، در حوزه فلسفه بررسی نمی‌شود؟

- ۱) علت پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟
- ۲) آیا طبیعت تنها جهان موجود است؟
- ۳) چرا خداوند نماز را برای ما واجب کرده است؟
- ۴) آیا هرچیزی دارای علت است؟

۴ کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) در داستان سرنشینان کشتی "اقیانوس" نماد جهان هستی است.
- ۲) "اعتقاد اکثریت مردم به اینکه جهان آغازی دارد" دلیل معتبر و عقلانی برای صحت ادعای "عالم طبیعت از ازل بوده است" می‌باشد.
- ۳) نهایی‌ترین پرسش‌های فلسفی درباره چیستی و چرایی امور است.
- ۴) از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی اهمیت پرسش‌های فلسفی را دریافته‌اند.

۵ کدامیک از پژوهش‌های زیر در حل مسئله‌های فلسفی کاربرد دارند؟

- ۱) پژوهش‌های تجربی
- ۲) پژوهش‌های تاریخی
- ۳) پژوهش‌های ذوقی و ادبی
- ۴) پژوهش‌های عقلی

- ۱) فلسفه درباره بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین مسئله‌ها و موضوعات جهان و انسان بحث می‌کند.
- ۲) سایر دانش‌ها درباره بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین مسئله‌ها و موضوعات جهان و انسان بحث می‌کنند.
- ۳) فلسفه درباره مسائل و ظواهر علم فیزیک و زیست و اخلاق صحبت می‌کند.
- ۴) فلسفه با تجربه و آزمایش به نهایی‌ترین مسئله‌های جهان می‌پردازد.

مسئله‌های فلسفی از چه جهتی مانند مسئله‌های ریاضی هستند؟

- ۱) فقط با عملیات فکری می‌توان به حل آن‌ها پرداخت.
- ۲) تجربه و حواس به حل آن‌ها کمک می‌کند.
- ۳) میکروسکوپ و آزمایشگاه در حل آن‌ها نقش دارند.
- ۴) با گرفتن آمار از نظرات دیگران می‌توان به حل آن‌ها پرداخت.

کدام یک از گزینه‌های زیر از پرسش‌های بنیادین فلسفی به حساب نمی‌آید؟

- ۱) چرا هر پدیده محتاج به علت است؟
- ۲) ما انسان‌ها از کجا آمده‌ایم؟
- ۳) ما در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟
- ۴) چرا برای زنده ماندن به هوا احتیاج داریم؟

کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند یک پرسش فلسفی باشد؟

- ۱) آیا مسلمان بودن و ایرانی بودن با یکدیگر مساوی است؟
- ۲) آیا ممکن است در سیارات دیگر نیز موجوداتی زندگی کنند؟
- ۳) آیا کوچک‌ترین ذرات تشکیل دهنده موجودات اتم است؟
- ۴) آیا پدیده‌های طبیعت واقعاً همان هستند که به نظر ما می‌رسند؟

کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- ۱) گاه‌وبی‌گاه برقی از سؤال‌های ویژه در ذهن انسان می‌جهد و اندکی بعد در میان انبوه افکار و اعمال گم می‌شود.
- ۲) انسان‌ها همیشه و به صورت جدی به سؤال‌های ویژه می‌پردازند و رسیدن به پاسخ سؤال‌ها دغدغه خاطر آن‌ها می‌شود.
- ۳) بسیاری از انسان‌ها اغلب از سؤال‌های ویژه عبور کرده و درباره آن‌ها نمی‌اندیشند.
- ۴) گاهی انسان‌ها بعد از اندکی تفکر درباره سؤال‌های ویژه به امور دیگری می‌اندیشند.

به ترتیب کدام گزینه در رابطه با مراحل ایجاد تفکر فلسفی درست است؟

- ۱) حیرت و شک ← برخورد با مجهول ← تفکر در اندوخته‌ها ← دریافت فلسفی ← طرح سؤال‌های اساسی
- ۲) برخورد با مجهول ← حیرت و شک ← طرح سؤال‌های اساسی ← تفکر در اندوخته‌ها ← دریافت فلسفی
- ۳) طرح سؤال‌های اساسی ← حیرت و شک ← برخورد با مجهول ← تفکر در اندوخته‌ها ← دریافت فلسفی
- ۴) تفکر در اندوخته‌ها ← برخورد با مجهول ← طرح سؤال‌های اساسی ← دریافت فلسفی ← حیرت و شک

- ۱) هرگاه انسان برای رسیدن به پاسخ پرسش های فلسفی دچار دغدغه شود، وارد تفکر فلسفی شده است.
- ۲) تفکر فلسفی لازمه زندگی برخی انسان های خاص است.
- ۳) ظاهراً در زندگی عادی نیازی به طرح پرسش های فلسفی نیست.
- ۴) پاسخ به پرسش های فلسفی تأثیر مستقیم در زندگی و رفتار ما دارد.

تفاوت عمده فلسفه با سایر دانش ها در چیست؟

- ۱) فلسفه صرفاً درباره علل پیدایش هستی بحث می کند.
- ۲) فلسفه در خصوص مسائل مرتبط با جهان طبیعت بحث می کند.
- ۳) فلسفه در مورد بنیادی ترین مسائل و موضوعات مرتبط با انسان و جهان بحث می کند.
- ۴) فلسفه اخلاق را از حیث تأثیر آن در جامعه بررسی می کند.

کدام عامل موجب ظهور دانشی به نام "فلسفه" گشته است؟

- ۱) تلاش های فیلسوفان برای کشف قوانین حاکم بر کل هستی
- ۲) کشف قواعد مربوط به هستی
- ۳) تفکر به این موضوع که جهان به سمت تکامل حرکت می کند یا فروپاشی
- ۴) تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به همه سؤال های طرح شده

باتوجه به گزاره های زیر، الف) برای بررسی ساختار سلول، میکروسکوپ الکترونیکی باید مورد استفاده قرار بگیرد. ب) تجزیه و تحلیل داده ها به صورت اکتشافی، یکی از کاربردهای علم آمار است. ج) تجزیه و تحلیل دانسته های ریاضی در موضوعات جهان و انسان د) ناسا برای سفر به سیاره سرخ (مریخ) زمان سه سال برای رفت و برگشت در نظر گرفته است. به ترتیب کدام یک مربوط به بررسی با روش تجربی و روش عقلی است؟

- | | |
|------------------|------------------|
| ۱) الف، ب، د / ج | ۲) الف، ج / ب، د |
| ۳) الف، ب / ج، د | ۴) الف، ب، ج / د |

ما به هنگام مواجهه با مسائل فلسفی چه کاری باید انجام دهیم؟

- ۱) از طریق حواس یا آزمایش یا جستجو در طبیعت به حل آن مسائل بپردازیم.
- ۲) عقل ما می کوشد در خود کاوش کند و با عمل تفکر و تعقل و با تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل این مسائل بپردازد.
- ۳) از طریق گرفتن آمار از نظرات دیگران به پاسخ این مسائل بپردازیم.
- ۴) با استفاده از حس بینایی یا بویایی یا میکروسکوپ یا تلسکوپ یا هر ابزار دیگری به حل این مسائل بپردازیم.

آنچه که به نحوه زندگی انسان شکل می دهد، چیست و چگونه به دست می آید؟

(۱) رها شدن از حیرت و سرگردانی - با استفاده از تجربه دیگران

(۲) پاسخ به پرسش های بنیادی - از طریق تفکر فلسفی

(۳) پرداختن جدی به پرسش های غیربنیادی - از طریق استدلال کردن

(۴) از بین بردن دغدغه خاطر - از طریق تفکر فلسفی

به ترتیب ویژگی های "تقلید از دیگران" و "عبور از تنگنای ظواهر و محسوسات" مربوط به کدام دسته از مردم است و این تقسیم بندی توسط چه کسی مطرح شد؟

(۱) واقف - سائر - سقراط

(۲) سائر - واقف - افلاطون

(۳) واقف - سائر - ملاصدرا

(۴) واقف - واقف - ملاصدرا

کدام گزینه در رابطه با تفکر فلسفی نادرست است؟

(۱) برخی انسان ها به آن توجه می کنند و برخی دیگر با بی توجهی از کنار آن می گذرند.

(۲) در زندگی روزانه و عادی نیازی به طرح پرسش های بنیادین و ورود به تفکر فلسفی نیست.

(۳) اندیشیدن درباره سؤالات فلسفی، در زندگی انسان ها ضرورتی عام و همگانی است.

(۴) شایسته است هر انسانی بدان پردازد و توان فکری خود را در مورد آن تقویت کند.

قسمت اول کدام گزینه صحیح و قسمت دوم آن غلط است؟

(۱) پاسخ سؤال "چگونه می توان به عامل شیمیایی پیرشدن سلول ها دست یافت؟" را می توانیم با روش تجربی بیابیم. - گزارش قابل اعتمادی از جریان فلسفه در سرزمین آتن و تمدن یونان در قرن چهارم و پنجم پیش از میلاد در دست است.

(۲) با روش عقلی می توان به بررسی آغاز جهان طبیعت پرداخت - نمی توان برای دانش فلسفه از نظر زمانی و مکانی آغازی تعیین کرد.

(۳) از طریق آغاز اندیشه های فیلسوفانه و تفکرات فلسفی می توانیم ریشه بسیاری از اندیشه هایی را که اکنون در میان ما رایج است بشناسیم. - فیلسوف کسی است که به طور تخصصی به سؤالات فلسفی می پردازد.

(۴) برای حل مسائل فلسفی نمی توان از مواردی چون بررسی های آماری و ابزارهای آزمایشگاهی برای کسب اطلاعات بهره برد - فلسفه از این نظر که با تجزیه و تحلیل دانسته ها به کشف مجهول نزدیک می شود، مانند علم ریاضی است.

نکات درس ششم:

1) شناخت : الف) امور محسوس و مادی : پدیده های جهان مادی، اموری که با حواس قابل درک است، اموری

که با دستگاه ها و ابزار قابل مشاهده و درک است نیز جزو محسوسات است مثل

سلول و امواج

ب) امور غیر محسوس غیر مادی : فرشته ، شیطان ، خدا ، جن ، اموری که با حواس و

ابزار قابل درک

نیستند.

2) شناخت : الف) تدریجی - گام به گام - آموختن و یادگیری

ب) دارای محدودیت ج) امکان خطا

3) معرفت شناسی قسمتی از علم فلسفه است که به بررسی پدیده شناخت می پردازد . رابطه مطلق

4) تامل درباره ی مسائل مربوط به شناخت موجب ← طرح پرسش هایی درباره ی ابعاد گوناگون شناخت

5) معرفت شناسی و نظریه معرفت : دانشی در پی توضیح عقلانی خود شناخت
های جدی 2) ظهور دیدگاه های گوناگون تبدیل به شاخه مستقل

6) معروف ترین فیلسوف معرفت شناس ← ایمانوئل کانت با کتاب نقد عقل محض

جمله ی معروف کانت : 2 چیز مرا به شگفتی وا میدارد: 1) آسمان بالای سرمان 2) وجدانی که در قلب و درون ماست

7) چیستی معرفت ← تعریف معرفت بدیهی است و نیاز به تعریف ندارد

فقط واژه و لغت معرفت شاید نیاز به تعریف داشته باشد که با بیان معادل آن قابل درک است

8) امکان شناخت = امکان معرفت = آیا آگاهی و دانستن امکان پذیر است؟

امکان شناخت بدیهی است و علوم مختلف مبین همین مطلب است

امکان شناخت بارها انکار شده است

به طور طبیعی کسی در امکان شناخت و اصل شناخت شك ندارد

شکاکیت مطلق : شك در اصل دانستن و همه دانسته ها ، امکان پذیر نیست ، وجود ندارد ، موجب تناقص می شود

گرگیاس سوفیست معروف : 1- چیزی وجود ندارد 2- اگر وجود داشته باشد قابل شناخت نیست 3- اگر قابل شناخت باشد قابل یاددهی نیست 4- معتقد بود امکان شناخت وجود ندارد 5- معرفت و شناخت طبیعت را انکار کرد

9) وجود اشتباه به معنای ناتوانی در کسب معرفت نیست به همین دلیل انسان ها از ابتدا زندگی خود برای درک جهان تلاش کردند

شک در توانایی های خود به معنای شک در اصل شناخت نیست

بدهت امکان معرفت موجب نمی شود که در توانایی خود شک کنیم

از آنجا که بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده های دیگر باور داشته و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی بشر در کسب معرفت تلقی نمی کرده ، شناخت و معرفت خود را همواره افزایش داده است.

10) راه های پیشرفت دانش : 1- دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا

2- پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها

11) فاصله گرفتن از خطرات ، رانندگی با سرعت مطمئنه و ناشی از دانستن و آگاهی ماست

12) شناخت انسان گاهی باخطر و اشتباه مواجه می شود

13) معنای معرفت و شناخت و امکان رسیدن به شناخت برای همه امکان پذیر است

14) بدیهیات این درس : 1) اصل معرفت و شناخت 2) امکان معرفت و شناخت 3) معنای شناخت و معرفت

15) محتوای معرفت : 1) بدیهی 2) غیربدیهی

16) شناخت انسان محدود و خطا پذیر است

17) پیشرفت و تکامل علم و دانش دلیلی بر امکان معرفت و شناخت اشیا است

18) فکرکردن در مورد امور برتر از حواسمان مثل خدا نشانه ی این است که از خود و جهان پیرامون خود شناخت داریم

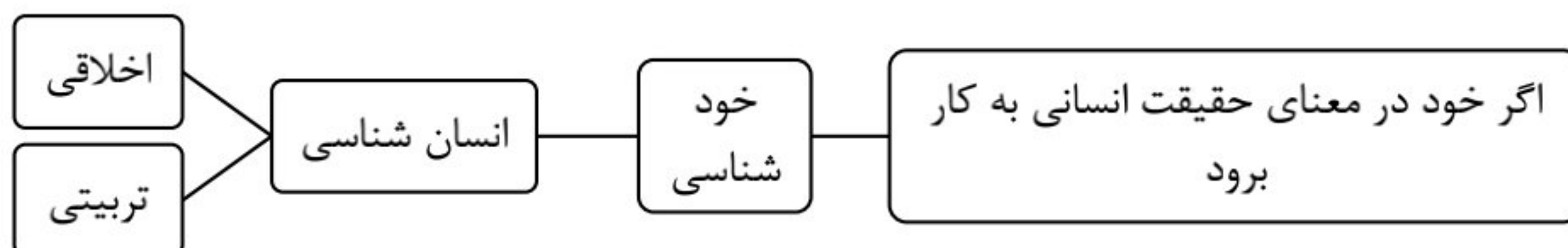
19) ما به ازای آگاهی نسبت نسبت به یک مفهوم ، وجود آن مفهوم در عالم خارج است

20) شناخت میتواند موضوع شناخت باشد

اگر چیزی موضوع شناخت باشد ← صد درصد وجود دارد

اگر چیزی موضوع شناخت نباشد ← میتواند وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد

خود = شناخت هر کس از خود و ویژگی ها و خصلت های خودش



نفس ناطقه

